

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نورالله وثوق
1388/10/23

دهان زندگی

جهل جلی

ببین هـنگـامـه آهـنـدلی را
جنون جـادوی جـهل جلی را
گذارم پا به روی هرچه فریاد
کجا و امی گذارم صندلی را

تیشه به ریشه

زبان ها گشته همسان کلیشه
به هر جا میروی مانند نیشه
دلم ریشه که این شهر پر آشوب
خودش را میزنه تیشه به ریشه

دهان زندگی

دلم بیجای بیجا مانده اینجا
ز بار ناله از پا مانده اینجا
برای دیدن یک لقمه احساس
دهان زندگی وامانده اینجا

بوی ناز

نبرده پی به بوی ناز فر هنگ
القباشان حروف واژه جنگ
به دورند از مسیر زندگانی
هزار و سه صد و هشتاد فرسنگ

دیدار محبت

لبانش بغضِ جهلِ جنگ دارد
ز "آی" آدمیتِ ننگ دارد
نگاهِ خسته او مثل همیشه
ز دیدارِ محبتِ ننگ دارد

میدان خالی

حروفِ حلقهء تزویر گشتیم
به پایِ ملتی زنجیر گشتیم
به یمنِ خُمِ رنگارنگِ تزویر
درین میدانِ خالی شیر گشتیم

کشاورز کویر

ز سر در پایِ آتشِ تیرِ تیریم
جهنم را به هر سوئی سفیریم
ز فکرِ باورِ ما حاصلی نیست
کشاورزِ سیه روزِ کویریم

کشت زهر

چه با این آب و خاک و خشت کردیم
که تصویرِ جهان را زشت کردیم
به جـُـز نابودی فردا نبینیم
ازین زهری که اینجا کشت کردیم

نسل سکوت

اسیرِ مجمعِ باد و بروتیم
به پیشِ تکِ تکِ اینان به توتیم
شده تاریخِ ما ثبتِ سیاهی
که ما از تیره نسلِ سکوتیم

بُرو بیا

درین میهن چه غوغائی به پاشد
که نامِ کوچکش مهمانسرا شد
دگر از میزبانیِ خسته گشته
وطنِ دروازه بُرو بپاشد

شور و شیرین

به همراه دلم کـــردم برآورد
هر آنچه را برایم سنگر آورد
چنان کام ستم را کرده شیرین
که شورش را به شهر ما درآورد

<http://norollahwosuq.blogfa.com/>